نسیم جنوب

www nasimjonoub COM

سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۰۱

سه شنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

اعتراض معلمان به بی عدالتی و تبعیض است

آموزش و پرورش در اولویت نیست!

بزرگترین چالش، کوچک انگاشتن آموزش و پرورش است



احوال آموزش و پرورش خوش نیست

ربع قرن با نسیم جنوب

ربع قرن با تلخی و شیرینی ورزش
مهدی صالحی زاده

نسیم جنوب؛ سکوی معرفی ورزشکاران در سطح محلی و ملی
علی بکا

ربع قرن دلسوزی برای ورزش
محمدرضا محمدی

نشریه ای که دلش برای فوتبال بوشهر می سوزد
مجید مشایخ

یکی از بال های توسعه فوتبال
حسین وردیانی

سالها تلاش و زحمات ستودنی
علیرضا محمدی

وزیدن هزار نسیم از ساحل جنوب
حسین روئین

طی ۲۵ سال، نسیم جنوب پا به پای ورزش استان بوشهر دویده است
حسن غریبی

«نسیم جنوب» پل ارتباطی با کشور
محسن گنبدی

نوازش نسیم بر رخسار جنوب
محمود ابراهیم زاده

موفق در معرفی ورزشکاران
ابراهیم جمالی

موفق در جذب مخاطبان ورزشی
علی اصغر کامیاب

نسیم همچنان ملایم و پیوسته
عباس طبیب نژاد

نسیم جنوب باعث رشد ورزشکاران
حیدر عبدالله زاده

عملکرد خوب در زمینه فوتبال
احمد رزمی

۲۵ سال تلاش برای ورزش بوشهر
علی دشتیاری زاده

روح ورزش و همدلی در مردم، با نسیم جنوب جان تازه ای گرفت
نادر اقدام

نسیم جنوب؛ حامی تیم های ورزشی
علی عالی نژاد

نسیم جنوب چراغ جدیدی در ورزش استان ایجاد کرد
وحید پورجماد

مشوق اصلی ورزشکاران بوشهر
حسین حیدری

۲۵ سال ایستادگی
غلام پورچنگی

نسیم جنوب؛ مشوق نوشتن و گفتن
هاشم هاشم زاده

وزیدن هزار نسیم از ساحل جنوب

حسین روئین



هزار نسیم از ساحل جنوب وزیدن گرفت تا برهوت تاریکِ علم و اطلاع و بیداری را مُنوّر کند.

هزار نسیم از سواحل جنوب برخاست، و سواحل را از دیلم تا امام حسن تا گناوه تا ریگ تا شیف تا بوشهر تا دلوار، تا دیر و تا کنگان و نخل تقی وعسلویه و پهندشت جنوب را درنوردید و بُنگ انداخت. حتا در بَر و بحـر.

تا بشورد غبار بی اطلاعی و بشوراند علیه بیخبری، و خبر دهد از جهش فکری و فرهنگی و دهکده کردن همه جای استان و متمرکز افکار در یک جا در نسیم جنوب.

قایق هفته نامه نسیم جنوب با بادبانی برافراشته تا عرش، برای تاختن نور بر ظلمت با پاروزنی مردی اصیل از ایلی خوشنام، رزمنده‌ای جسور در روزهای پاسداری از حدود و ثغور و مرز و خاک و زمین و ناس و ناموس، بعد در سنگر رسانه، دکتر یونس قیصی‌زاده.

هرگز عدول از پیمان و رسالت خبری و خبرنگاری و نویسندگی نکرد. پا به پای خواست و رضایت مردم، از سنگر آغاز تا ایستگاه هزار.

آنان که می دانند، نشریه و روزنامه داری چیست، تایید می کنند که: بر گردانندگان رسانه چه می گذرد، به دریا رفته می داند مصیبت های طوفان را، که هر یک شماره یک سال فشار می آورد بر عامل، عاشق نباشی، رها می کنی و یا له می شوی، و یا لهَت می کنند.

باید عاشق باشی آنچنان که سی مرغت به یک می رسد با پَرهای سوخته. اما نسیم به قاف سی که نه، هزار مرغ (شمارگان) رسید. خدا قوت رزمندهٔ فرهنگیِّ مصاف و میدان رسانه، خدا قوت.

هزارِگان شمارت، تبریک.


نسیم جنوب
خیّر گناوه‌ای ۲۵۰ میلیون تومان به بیمارستان کمک کرد
در سوگ نویسنده و پژوهشگر عرصه فرهنگ، ادبیات و تاریخ جنوب
روزهای سخت معلمی در بوشهر

عَشورات و عُشورات؟

جواد غلام نژادجبری



عَشورات، عُشورات چیست :

البته قدیمی های عُشورات هم میگن ولی عَشورات تلفظ کتابیش می شود.

نوعی مالیات دریایی که در گذشته از جهازات وصول می کردند.

اخذ مالیات بوده در فارسی به آن (ده یک) می گفتند یعنی ۱۰تومان کرایه جهاز و یک تومانش مالیات یا بجای مالیات (نوقلی) هم می گفتند.

در زمان قدیم که در آمد نفت نبوده دولت ها با عوارض عبور و مرور مالیات کشور داری می کردند.

معمولا این نوع درآمد بیشتر برای حکام محلی بوده و کمتر برای دولت در آمد داشته است.

طی ۲۵ سال گذشته، نسیم جنوب پا به پای ورزش استان بوشهر دویده است

حسن غریبی - ورزشی نویس



طی ۲۵ سال گذشته نسیم جنوب پا به پای ورزش استان دویده است. از هفته نامه نسیم جنوب هر آن چه بخواهیم بگوئیم کم گفتیم. از آغاز تا پایان صفخه هایش پر مخاطب شنیدنی و دیدنی بوده است، نسیم چون باد جنوب نوازش مردمان مهربان اش کرده و به پیش می رود! هر وقت حق مظلومی ضایع می شد سینه سپهر می کرد و فریاد مردم می شد! نسیم جنوب را با فرزند شهید می شناسم بیش از دو دهه می باشد. یونس قیصی زاده رزمنده هشت سال دفاع مقدس در خط مقدم فرهنگی شهرش با نشریه وزین نسیم جنوب چون نگینی می درخشد! بخش ورزشی نسیم جنوب از فوتبال محلات تا لیگ برتر را تحلیل کرده است، از ورزش روستاها و کمبودهایشان نوشته تا موفقیت های ورزشکاران گمنام استان، نسیم جنوب برای اعتلای ورزش استان کم نگذاشته و شاید خیلی هم وقت گذاشته و می توان گفت طی ۲۵ سال گذشته نسیم جنوب پا به پای ورزش استان دویده است.


نسیم جنوب
بی توجهی تامین اجتماعی به منافع مردم بوشهر
واگذاری های خارج از ضابطه در منطقه ویژه اقتصادی بوشهر باید متوقف شوند
منطقه ویژه اقتصادی بوشهر به دانشگاهیان سپرده شد
سرود قهرمانی بوشهری‌ها در کرانه خلیج تا ابد فارس
مطالعه تطبیقی رفتار خوارج و قرمطیان دیروز با القاعده و داعش امروز
قطره ای بود به دریا پیوست!
«حوزه عمومی و کنش ارتباطی» در مجادلات هابرماس
فضابرای مشارکت‌اهل تسنن در استان بوشهر بسیار بهبود یافته است
جَنگ آب در راه است

از بخش های موفق و پرطرفدار این نشریه صفحه ورزشی اش بوده که عاشقان بسیاری در سراسر استان دارد، بیست و پنج سال چاپ نسیم جنوب و هزاران مطلب با کیفیت آلبومی از تصاویر بزرگان و مشاهیر دیارمان بصورت امانت در صندوقچه ماندگار تاریخ نسیم جنوب به یادگار باقی مانده است، شما نسیمی ها امانت دار این همه گنجینه ارزشمند هستید. نسیم جنوب کلکسیونی از نوشتار اجتماعی، فرهنگی، ادبی، سیاسی و ورزشی طی ۲۵ سال با خود حمل می کند، چهره هایی در این نشریه قلم زدند که هر کدامشان خود نامی سترگ از این دیارند. نسیم جنوب باید همچنان پایدار و استوار روی پاهایش بایستد و به حیات اش ادامه دهد. هفته نامه نسیم جنوب قلب تپنده ی جنوب کشور است.

نسیم جنوب؛ سکوی معرفی ورزشکاران در سطح محلی و ملی

علی بکا- سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران



با سلام و عرض تبریک به عزیزانم در هفته نامه نسیم جنوب به مناسبت بیست و پنجمین سالگرد این نشریه وزین و با اصالت، جا دارد یک خدا قوت و تبریک جداگانه به جانباز بزرگوار و خبرنگار ورزشی این هفته نامه مهدی صالحی زاده عرض کنم که سالها با تلاش بهترین و با کیفیت ترین خبرهای فوتبالی و ورزشی را تهیه و به چاپ می‌رساندند.

اگر بخواهم از سوابق و مطالب هفته نامه بگویم برمی گردد به حضور هم زمان من در تیم فوتبال هفت نفره استان و شروع فعالیت هفته نامه در سالهای ۷۵ به بعد، در آن سالها که نه تلفن همراهی بود و نه اینترنتی و حداقل اگر هم بود ما دسترسی نداشتیم، ولی هفته نامه نسیم با مدیریتی عالی و فوق‌العاده و خبرنگارانی پر تلاش کلیه مطالب را جمع آوری و به دست مردم می‌رساندند در آن سالها تیم فوتبال هفت نفره هر ساله با اقتدار قهرمان ایران می شدند و انعکاس این قهرمانی ها بیشتر به عهده این نشریه و مهدی صالحی زاده بود و در سال ۷۹ که تیم ملی این رشته تاسیس شد باز هم این نشریه بود که ما را به جامعه فوتبالی معرفی کردند. البته فعالیت این عزیزان خیلی گسترده بود و نقش بسزایی در ورزش خصوصا در رشته فوتبال داشتند و بسیاری از بازیکنان فوتبال بوشهر خود را مدیون این نشریه می دانند و حتی سکوی پرتاب بسیاری از بازیکنان به تیم ملی چه در فوتبال، فوتسال، فوتبال ساحلی، تیم فوتبال هفت نفره، فوتبال پایه ها و فوتبال بانوان را ایفا کرده هرچند در حال حاضر ورزش استان بخاطر باند بازی و خودخواهی دچار بیماری سرطان شده و هیچ طبیبی نمی‌تواند این بیمار را نجات دهد، هر چند احساسات مردم را زیر پا له کرده اند و بهترین و جذاب ترین رشته ورزشی را نابود کرده اند از جمله تیمهای بزرگی چون ایرانجوان، شاهین، تیم بانوان و فوتبال هفت نفره، که همگی نشان از ضعف ورزش استان بوشهر دارد. در پایان مجددا از تمام زحمات پرسنل عزیز هفته نامه نسیم جنوب تشکر و قدردانی می کنم و از این که من را به جامعه ورزشی معرفی کردید، سپاسگزارم.


نسیم ورزش
ضمیمه رایگان هفته نامه نسیم جنوب
شماره دوم ـ یکشنبه ۹ تیرماه ۱۳۸۱
بانوان بوشهر در حسرت استفاده از دریا
علی بکا مربی تیم ملی جانبازان و معلولین
در ورزش تبعیض قائل میشوند

شاهین شهرداری بوشهر ندای سقوط سر داد



محمدرضا زائری: داستان امسال تیمداری شهرداری و شاهین در نوع خود عجیب‌ترین شکل ممکن بود که شاید تاریخ فوتبال دنیا چنین تیمداری را نیز به یاد نداشته باشد و شاید عجیب‌تر اینکه همه شهرها تلاش می‌کنند و تأمین بودجه را مهیا می‌سازند تا بلکه امتیازی برای شهرشان بگیرند ولی در بوشهر که یکی از مهدهای فوتبال ایران و گنجینه ثروت به جهت وجود منابع عظیم نفتی است و امروزه درخشش مهدی طارمی در قلب اروپا و باشگاه پورتو پرتغال نام این شهر را زبانزد خاص عام کرده، کمترین حمایت‌ها از تیم‌های ورزشی می‌شود.

مسؤولان به شاهین دل ندادند

بی‌توجهی مسؤولان امر و مدیران استانی را می توان یکی از عوامل اصلی سقوط مرگبار این تیم ریشه دار و پرهوادار فوتبال بوشهر برشمرد جایی که در امروز شاهد جریحه دار شدن احساسات پاک این هواداران بودیم و در روزهایی که فشار اقتصادی مردم را تحت تأثیر خود قرار داده این فوتبال می‌توانست یک مرحم باشد و قطعاً جوابگو بود چون تنها دلخوشی جوانان این شهر با توجه به نبود امکانات و زیر ساخت‌های تفریحی همین فوتبال بود.در ابتدای شروع کار شورای جدید جلسات متعدد و زیادی در خصوص تعیین تکلیف شاهین گرفته شد و نتوانستند یک تصمیم منطقی و خوب برای این باشگاه گرفته شود و در نهایت تصمیم بر آن شد که شاهین از طریق مزایده به فروش گذاشته شود و نکته جالب توجه در مورد بازگشایی پاکت‌های پیشنهادی تاریخ آن است؛ به واقع مزایده روز ۲۶ مهر هزار و ۴۰۰ بود یعنی دو روز بعد از شروع بازی‌های لیگ دسته اول کشور که قطعاً هیچ خریداری جلو نخواهد آمد.

شاهین در ۲۴ ساعت مانده به شروع لیگ دسته اول کشور با مهدی قنبری استارت زد و جذب بازیکن در همین فرصت کوتاه کار بزرگی بود که توسط مربی جوان و بومی صورت گرفت و نمایش فوتبالی این تیم علی‌رغم فرصت کم در تیم بستن امیدها را زنده کرد ولی عدم حمایت مسؤولان امر باعث شد ناامیدی در تیم رخنه کند و بازیکنان بدلیل‌عدم پرداخت مطالبات قراردادهای خود را فسخ کنند.

تعویض‌های متعدد مدیران عامل و مربی

تعویض‌های متعدد مدیران عامل و مربی در این باشگاه در نوع خود بی‌نظیر بود و افراد بی‌تجربه و بی‌تخصص در امر مدیریت باشگاه داری شانس‌های خود را امتحان می‌کردند و در نهایت هم هیچ آورده‌ای برای این باشگاه نداشتند تا احتمال سقوط شاهین روز به روز بیشتر شود تا اینکه در غروب شب‌های شهر قزوین، شاهین غریبانه ندای سقوط را سر داد و وداعی تلخ با لیگ دسته اول کشور داشت.

سفیدهای محبوب بوشهری در ۲۸ هفته لیگ فقط ۱۱ امتیاز کسب کردند تا به نوعی یک زنگ تفریح برای تیم‌های باشند که یک روزی آرزوی شکست شاهین را داشتند و روزگارانی بود که شهید بهشتی بوشهر دیگ جوشان بود و یک جهنم برای تیم‌های مهمان، ولی امروز شاهین در خانه هم غریب است و نای پرواز ندارد.

این قصه برای ایرانجوان دیگر تیم محبوب بوشهری هم عجیب‌تر از شاهین رقم خورده که در آینده به آن خواهیم پرداخت و یک سوال که آیا سقوط این دو تیم به مسوولی هم بر می‌خورد؟

خبرگزاری فارس

ربع قرن با تلخی و شیرینی ورزش بوشهر



مهدی صالحی زاده – خبرنگار نسیم جنوب

با عرض سلام خدمت همه خوانندگان گرامی هفته نامه نسیم جنوب. سلامی به گرما و بزرگی ۲۵ سال زندگی و هزاران برگ از دفتر روزگار، که با تلاش بی وقفه به ساحل خوشبختی رسید. نسیم جنوب عزیزترین پدیده بعد از خانواده من به شمار می آید. عمری که در آن سپری کردم، مملو بود از خوبی ها و فراز و فرودها که با هدایت و مدیریت خوب دکتر یونس قیصی زاده مدیریت گردید. بی شک سهم همسرشان نسیم فقیه اگر بیشتر از ایشان نباشد،کمتر از آن نخواهد بود.

وی مثل کوه پشت همسرش ایستاده و سالها وبا تلاش شبانه روزی در پی انتشار بی کم و کسر نسیم جنوب بوده است.

بنده که کوچک ترین قطره از دریای بزرگ نسیم جنوب می باشم، فقط هدفم خدمت به جامعه ورزشی بوده که در این راه هم مورد توهین و هم تشویق قرار می گرفتیم.

در این مسیر دوستان خوبی به عنوان کارشناس ورزشی در صحنه ورزشی ما فعالیت می کردند که چراغ هدایت برای همه بودند که به دلیل خیل عظیم این دوستان، از نام بردنشان می گذریم.

در زمان سپری شدن ۲۵ ساله نسیم جنوب، بعضی از مصاحبه ها، گزارشات و تحلیل های ورزشی با در بسته ذهن مسموم بعضی از مسئولان مواجه می شد ولی مایه دلسردی نبود و فعالیت های ورزشی هفته نامه نسیم جنوب مورد استقبال ورزش دوستان و ورزشکاران بود و همین امر خستگی را از بدن انسان بدر می کند.

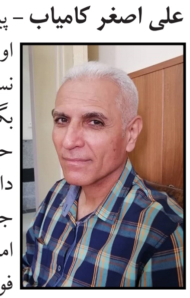
۲۵ سال از عمر نسیم جنوب گذشت و هزارمین شماره هم منتشر شد. امید است که همه از ما رضایت داشته باشند. به مناسبت ربع قرن انتشار نسیم جنوب با تنی چند از ورزش نویسان و بزرگان فوتبال بوشهر هم کلام شدیم که ماحصل آن را در همین شماره ملاحظه می فرمایید.

خدایا چنان کن سرانجام کار

که تو خشنود باشی و ما رستگار.

موفق در جذب مخاطبان ورزشی

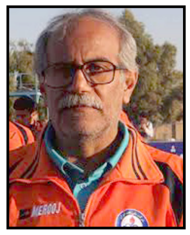
علی اصغر کامیاب – پیشکسوت شاهین



اول از همه باید ۲۵ سالگی نسیم جنوب را تبریک بگویم. امیدوارم که حالا حالا کارتان به خوبی ادامه داشته باشد. هفته نامه نسیم جنوب یک رسانه قوی در امر ورزش و به خصوص فوتبال خدمات بزرگی به هم استانی ها ارایه داده است. تا قبل از فعالیت فضای مجازی، نسیم جنوب یکی از هفته نامه هایی بود که بیشتر اطلاعات را به مردم می داد و به نوعی مردم اطلاعات خود را از نسیم جنوب می گرفتند و از آن زمان به بعد به خوبی مخاطب خود را جذب کرد. ورزشکاران و مسئولین ورزشی به خوبی می دانند که نسیم جنوب چه قدر در حق ورزش به خصوص فوتبال فداکاری کرده است. هزار عددی است بزرگ که نسیم جنوب آن را در نوردید. این نشان از عملکرد خوب شماها در نسیم جنوب دارد، از این طریق باید تشکری داشته باشیم از نسیم جنوب که در امر اطلاع رسانی ورزش سنگ تمام گذاشتید.

نسیم همچنان ملایم و پیوسته

عباس طبیب نژاد – سرمربی تیم فوتبال ساحلی دریانوردان



هفته نامه نسیم جنوب در حالی به ربع قرن انتشار خود رسید که برخی از هم قطارانش را در کنار خود نمی بیند. یا شرایط مالی آنها را زمین زده است و یا شرایط سیاسی آنها را به گوشه ای کشانده است، ولی در عوض نسیم به مثابه باد شمال ملایم و خنک، هر چند روز یکبار به رقص در می آید و آهسته و آرام با گامهای شمرده به موقع گوشه ای کز می کند، باز نفسی تازه می کند و به راه خود ادامه می دهد.

نسیم سعی می کند در قطاری که بیشتر مردم مسافر آن هستند در گوشه ای نه دنج، ولی مطمئن به موقع فیدوس بکشد. در سیاست افراط نمی کند که مجبور به کرنش شود و یا دکانش تعطیل شود. در فرهنگ و آداب شهر و گویش آن تعصب نشان می دهد و در ورزش بیشتر قهرمان های شهر و کسانی که باعث غرور جوانان شهرش می باشد، را به تصویر می کشد.

نسیم ژورنالیست است ولی نه از نوع کاسب کار آن که آلوده به شرایط موجود شود؛ نسیم همچنان ملایم، خنک و پیوسته مثل باد شمال، در کوچه و پس کوچه های شهر می وزد و همچنان به وزیدن ادامه می دهد.

روح ورزش و همدلی در مردم، با نسیم جنوب جان تازه ای گرفت

نادر اقدام – پیشکسوت ایرانجوان



نشریه نسیم جنوب یکی از پیشگامان و از موثر ترین هفته نامه های بوشهر است که با همت و صاحب امتیازی دکتر خلف پور، مدیر مسئول و سردبیری یونس قیصی زاده و سایر همکاران محترمشان در پیشبرد امر ورزش و معرفی ورزشکاران، جوانان و نوجوانان بوشهری بیشترین سهم و تاثیر را داشته است. با شروع فعالیت مطبوعات محلی از جمله این نشریه وزین، هزاران مطلب ورزشی، اجتماعی، فرهنگی، ادبی، هنری، اقتصادی و... نهفته در دل دریادلان این خطه با قلم شیوا و روان نویسندگان و ورزشی نویسان، عکاسان، هنرمندان و شاعران بنام از جمله حمید موذنی، امید غضنفر، حسین شاکری، محمد محبوبی، محمدرضا محمدی، رسول حیدری، خورشید فقیه، شاهین بهرام نژاد، رضا سیاوشی، اسکندر احمدنیا، احمد خالق پناه، ناصر علیخواه، محمد جهان افروزیان، مهدی صالحی زاده، مرحوم ضیا جمالی یار و همراه احمد خالق پناه، ماشاالله سینگر، مرحوم عزیز افتخاری، حسن غریبی،علیرضا حق پرست، وحید پورجماد و... در این نشریه و سایر نشریات به رشته تحریر در آمدند. نوشته هایی که از نظر غنای محتوایی به نوشته های بزرگان ایران تنه می زنند.

هزاران فوتبالیست و ورزشکار که طی شش نسل از ۱۳۱۰ تا کنون در ورزش بوشهر به خصوص فوتبال درخشیده اند، به مردم ورزش دوست معرفی شدند. هزاران عکس و گزارش ورزشی، اجتماعی، فرهنگی و... که در آلبوم ها و چمدان ها و در چارچوب قاب های عکس در منازل می رفتند که به فراموشی سپرده شوند با بازنگری و شناسایی اسامی آنان، اسکن شده و به نسل جدید معرفی شدند. روح ورزش و همدلی و همبستگی در مردم با نسیم بوشهر جان تازه ای گرفت و جوانان بوشهری و پیشکسوتان با فعالیت های شبانه روزی در شناسایی فرهنگ غنی فراموش شده، به خود آمده و دست به کار شدند و صدها تیم محلی و مربیان زحمتکش و بی ادعای آنان و صدها زمین ورزشی از طریق این نشریه شناسایی و معرفی شدند.

ورزشی نویسان و نویسندگان بوشهری با دست نوشته های زیبا، انتقادی و راهگشای خود، مسئولینی را که در خواب غفلت بودند بیدار کردند و با تلاش و همدلی مردم، تیم ایرانجوان به دسته یک و تیم شاهین به لیگ برتر ایران صعود نمودند.

در همین برهه از زمان چندین فوتبالیست از باشگاه های ایرانجوان، شاهین و سایر باشگاه ها از جمله مهدی طارمی، مهدی قایدی، حسین ماهینی، محمد محبی، دانیال ماهینی، متین کریم زاده، محمد دانشگر، محمد شریفی، حسین پور امینی، مسلم مسیگر، مصطفی کیانی، محمد معصومی زاده، نصرالله شهمرادی، احسان درا، محمد امین صیادی، محمد جواد خسروی، برادران کریمیان و... به فوتبال ملی و بین‌المللی معرفی شده‌اند.

جا دارد یادی کنیم از فعالیت تعدادی از بانوان ورزشکار بوشهری که در سال ۱۳۸۶ برای نخستین بار با نام تیم فوتسال نوجوانان بانوان بوشهر در مسابقات قهرمانی نوجوانان کشور شرکت کردند و تعدادی از بازیکنان این تیم به تیم ملی دعوت شدند. این بازیکنان عبارت بودند از ندا عبدالله زاده، سمانه خدابنده، طوبی طاهری از گناوه، محبوبه دهقانی، فاطمه امینه برازجانی، زینب بازیاری، زهرا پارسیان. بانوان بوشهری دیگری نیز در کسوت ورزشی نویس در هفته نامه ها و سایر نشریات بوشهر از جمله نسیم جنوب فعالیت داشتند. افرادی از قبیل مریم‌قاسمی، زیبا راستیان، فریبا کرمی، طاهره غمخوار و...

هفته نامه نسیم جنوب با اختصاص چندین صفحه ورزشی با دبیری مهدی صالحی زاده در این زمینه پیشتاز بوده است و سبب تشویق سایر جوانان علاقه مند به ورزش شده و کلیه اخبار ورزشی استان را پوشش می دهد.

این فرایند علاقه‌مندی مردم به امر ورزش فوتبال موجب شد که چندین کتاب ورزشی به نام های «فوتبال در گذر زمان» تالیف محمد جهان افروزیان با گردآوری تصویر و شرح حال توسط محمدعلی فروزانی، کتاب «بوشهر قدیم در آینه تصویر» ۱و۲ با پژوهش خورشید فقیه و بازآفرینی تصاویر و طراحی توسط بهزاد فقیه، کتاب« تاریخ فوتبال بوشهر» توسط نویسنده توانا حمید موذنی تهیه و تالیف گردند و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرند که مورد اقبال واقع شده و سریعاً نایاب شدند. اگرچه چند سالی است کم توجهی مرکز نشینان به ورزش استان و سیاسی شدن امر ورزش و گرانی و تورم غیرمتعارف ناشی از ندانم کاری مدیران دولتی و برنامه ریزی های غیراصولی، سبب شده است ورزش به خصوص فوتبال بوشهر جایگاه واقعی خود را از دست داده و مسئولین به بهانه های مختلف توپ مسئولیت را به زمین یکدیگر پاس داده و از زیر بار آن شانه خالی می کنند. ولیکن این موضوع نمی‌تواند قابل قبول جامعه و توجیه پذیر باشد.

حالا شمیم روح افزای نسیم، فضای مطبوعاتی جنوب را فرا گرفته و عطر آن همه را به وجد آورده و امید را در جامعه زنده و مردم را به آینده امیدوار کرده است.

نسیم جنوب چراغ جدیدی در ورزش استان ایجاد کرد

وحید پورجماد – ورزشی نویس

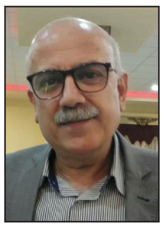


هفته نامه نسیم جنوب در عصر طلایی مطبوعات پا به عرصه رسانه های استان بوشهر گذاشت، نشریه ای که سعی کرد رویکرد نو به مسائل استان داشته باشد نسیم جنوب با نگاه و رویکرد جدید به هنر، ادبیات، مسائل اجتماعی، مدیریت شهری و ورزش توانست مخاطبان بسیار زیادی جذب کند و جوانان خوبی با نسیم جنوب وارد عرصه مطبوعات استان شدند. برگزاری برنامه های فرهنگی، دوشنبه های ادبی نسیم جنوب از دیگر افتخارات نسیم جنوب بود نسیمی که از ۲۵ سال پیش در عرصه مطبوعات استان وزیدن گرفت و هنوز عطر خوب نسیم جنوب تداوم دارد. در حوزه ورزش که افتخار همکاری با نسیم جنوب داشتم، توانستیم با همکاری دوست خوبم مهدی صالحی زاده گام های بسیار خوبی برداریم و طرحی نو در اندازیم. صفحه ورزش نسیم جنوب توانست رویکرد جدیدی به مسائل و مشکلات ورزش استان به ویژه فوتبال داشته باشد و چالش ها و مشکلات به صورت کارشناسی بررسی کند.

بعد از صعود شاهین به لیگ برتر در سال ۸۸ صفحه ورزش نسیم جنوب سعی کرد با نگاه کارشناسی مسیر اشتباهات که در اداره تیم صورت می گرفت را هشدار دهد و مطالب متعددی منتشر نمود که انتشار مبلغ قراردادهای بازیکنان و کادر فنی شاهین یک زنگ هشدار بود که متاسفانه جدی گرفته نشد و شاهین سقوط کرد. در سایر مسائل ورزشی استان، نسیم جنوب فعالانه حضور داشت و از نظریات ارزشمند پیشکسوتان و کارشناسان ورزشی بهره می برد و هدف توسعه و ارتقاء ورزش استان بود و افق جدید در روزنامه نگاری ورزشی در بوشهر ایجاد شد. در اینجا جا دارد از تلاشهای یونس قیصی زاده و نسیم فقیه که ۲۵سال چراغ این نشریه را روشن نگه داشتند و هزار شماره را منتشر کردند قدردانی کنم و انشالله شاهد جشن انتشار دوهزارمین شماره نسیم جنوب باشیم.

نسیم جنوب؛ مشوق نوشتن و گفتن

هاشم هاشم زاده



تقریبا تمامی دوستان محترم، به مناسبت انتشار هزارمین شماره هفته نامه مردمی و وزین «نسیم جنوب» مطالب مبسوطی را قلمی نمودند و در حد توان، ضمن شرح و بیان خاطرات بیست و پنج ساله نشریه و فراز و نشیب های فراوان مسیر، با استادی تمام، لحظات خوش آیند و نفس گیر را به تصویر کشیدند که جملگی دست مریزادی جانانه را می طلبد.

اینجانب بر آنم تا از زاویه ای دیگر به بحث وارد شوم. به باور اینجانب یکی از هنرهای سردبیر نسیم جنوب، ضمن استفاده از مطالب اساتید سخنور و قلم بدست نام آشنای بوشهر، یافتن انسانهای عادی ولی با احساس و کشاندن آنها از پستوهای خلوت به صفحات نشریه و تشویقشان به نوشتن مطالب و خاطراتی است که قطع یقین، در جایی دیگر امکان بروز و ظهور نمی یافت و این موضوعی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت.

به سروده پیامبر غزل حافظ شیراز:

بس نکته غیر حسن بباید که تا کسی

مقبول طبع مردم صاحب نظر شود.

کدام معلم؟

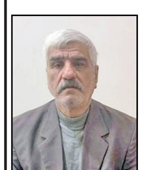
محمد محبوبی



در این ایام، روز معلم را تبریک می گویند، ولی، با کدامین معلم سخن می گویند؟ معلم از کدام منظر؟ معلمی که قدرت، شخصیت و ابزار آموزش از دستش ربوده اند و حقوقش پاسخ گوی زندگی او نیست؟ معلمی که در هیچ یک از امور آموزش و پرورش با او مشورت نمی شود؟ معلمی که از حوزه تربیت دانش آموزانش خارجش کرده اند به آموزشی نیم بند محکومش ساخته اند؟ و ... معلمی که وقتی از کار تعطیل می گردد و از کلاس خارج می شود باید با موتور سیکلت دانش آموز یا ماشین ولی دانش آموز تا چند مسیر او را جا به جا کند؟ معلم مستاجری که صاحب خانه برای دریافت کرایه هزار حرف زشت نثار او می کند؟ و ... معلمی که دسترنج انسان سازیش، سرنوشتی محتوم دارد؟ معلمی که امروز به شاگردش در خیابان برمی خورد و لباس مقدس معلمی بر تنش می درانند؟ همین معلمی که سالها از جان مایه گذاشت تا روش قلم بدست گرفتن را به او آموخت و ... من نیز معلمم .

برخلاف شمع، پنهان سوختیم

جعفردرایی



شاید بتوان حال واحوال معلمها را در این شعر خلاصه کرد:

گه از درد و گه از درمان سوختیم
گه ازجان و گه ازجانان سوختیم
تا بپوشانیم سوز خود زخلق
برخلاف شمع، پنهان سوختیم
باد بر خاکستر ما خاک ریخت
تا که چون خار بیابان سوختیم
جمع باد خاطریاران که ما
سوختیم اماپریشان سوختیم
شمع زخجلت سراپا آب شد
دید تا ما پای خوبان سوختیم
گرچه عمرمابه سختی ها گذشت
این دم آخرچه آسان سوختیم

روزاول مهرماه ۱۳۵۸ رفتم مدرسه با دو دانش آموز. جایی که طویله چهارپایان بود را شستیم و کلاس را آماده کردیم.

دانش آموزان شیعه و سنی در یک کلاس و می بایست هوش وحواس می گذاشتیم تا اصطحکاک به وجود نیاید.

رنج راه و رفت و برگشت و غذا و آب بدون در نظر گرفتن مشقاتی که بر معلم ها می رفت درآن سالهای سخت و محنت زا.

ازسال ۵۸ تا مهر۶۷ منتقلم نکردند، و این سوختن یک معلم بودکه در این نه سال نه غیبت داشتم و نه کم کاری از من سرزد .

پدر و مادرم عاصی شده بودند از دوری من و پریشان احوال بودم.

بله همه منتقل شدند و فقط من ماندم ولی عشق به معلمی و تدریس سراپای وجودم راگرفته بود و این عشق باعث شد اکثر دانش آموزان نه تنها از من راضی بودند بلکه عاشقانه تا هنوز هم مرا دوست دارند و آن هم از نوع معلم عاشق.

اما جزای عاشقی ما نرسیدن به معیشت معلمان است که سی سال عاشقانه تدریس کردند ولی فقط در حد تبلیغ از نامشان سوءاستفاده شد وهیچگاه به درد و رنج هایشان توجهی نشد، بلکه در سخت ترین شرایط زندگیشان به حقشان رسیدگی نشد بلکه آنها را به سختی با بی قانونی مجازات نمودند.

آموزش و پرورش در اولویت نیست!

بزرگترین چالش، کوچک انگاشتن آموزش و پرورش است

عالی بازدار



مولا علی (ع): من علمنی حرفا فقد صیرنی عبدا
هر آن کس که آموخت حرفی به من، سزد گر کند بنده خویشتن.

یکی از آسیب‌های جدی که بعد از چهار دهه از انقلاب ۵۷ آرام آرام نمایان شد بحث آسیب به سرمایه های اجتماعی است که بر همه چیز تاثیر گذار است. معلم سرمایه مهم اجتماعی است که روز به روز جایگاهش ضعیف تر و منزلتش به فراموشی سپرده می‌شود.

مرحوم علامه طباطبایی در پاسخ به این سوال که چرا به معلم احتیاج داریم فرمودند: «زیرا معلمان می توانند مشکل ترین مباحث و پیچیده ترین مسائل را توضیح دهند که بفهمی». امروز سرمایه اجتماعی به نام معلم و در نتیجه آموزش و پرورش در معرض آسیب جدی است و چنان چه آموزش و پرورش در صدر نباشد به کشور آسیب های جدی وارد می شود.

تربیت قیمتی کردن مغز و دست انسان است و این کاری است که معلمان انجام می دهند. اگر معلم احساس کند که دیده نمی شود و دستگاه تعلیم و تربیت فراموش شده است، یقین داشته باشید که انگیزه ها روز به روز نزول کرده و روند تنازلی آموزش و پرورش سرعت می گیرد. نمی‌توان آموزش و پرورش را در عمق ۵۰ متری چاه انداخت ولی طناب سی متری برای بالا آمدنش فرستاد. کوچک دیدن آموزش و پرورش کوچک دیدن معلم است. متاسفانه همه دولت‌هایی که تاکنون بر سر کار آمده اند هرگز نتوانسته اند یا نخواسته اند که آموزش و پرورش را در اولویت کاری خود قرار دهند. ما علاوه بر مفتخر بودن به سوابق معلمی حرمت پیشکسوتی و سالمندی نیز برایمان اهمیت دارد. با برگزاری برنامه هایی در هفته معلم و فریاد وا معلما سر دادن، اما غفلت از نیازهای معلم، دردی درمان نمی شود زور و قدرت آموزش و پرورش تاکنون به دولت‌ها و مجلس ها نرسیده است پس مقامات مسئول باید منتظر حق خواهی و مطالبه گری معلمان و نفرت معلمان شاغل و بازنشسته از تبعیض و بی عدالتی ها باشند.

علیرغم وجود قوانین در اسناد فرادستی و مبانی دینی نسبت به تکریم معلمان شاغل و بازنشسته، متاسفانه این مهم نادیده گرفته شده و دستگاه تعلیم و تربیت جایگاه مناسبی ندارد. اگر به شکوفایی تعلیم و تربیت فکر می کنید باید فضای نشاط، امید، پویایی و تحرک را در بین معلمان شاغل و بازنشسته فراهم نمایید. بزرگترین چالش کوچک انگاشتن آموزش و پرورش است و شاید به همین دلیل هم به آسانی معلم مطالبه گر صنفی گرفتار زندان و محروم از کلاس و درس می شود

اعتراض معلمان به بی عدالتی و تبعیض است

علی ابن رومی



روز معلم روز بزرگداشت عشق و ایثار است، روز تجلیل از کسانی است که علم را جرعه جرعه در جان ها جاری کردند و می کنند خود لحظه لحظه سوختند و با دانش خویش جامعه را ساختند و فردایی باشکوه نوید دادند. بزرگداشت انسانهایی که الف قامت شان در این راه خمیده شده، معلمی آزاد زیستن و انسان زیستن است. معلمی شغل نبوده و نیست یک رسالت است که در مسیر این رسالت خود را وقت بشریت نموده تا بشر روی سعادت را ببیند، مقصد نهایی معلم رشد همه جانبه جامعه و افراد مورد مخاطبش در ابعاد علمی، عاطفی، ذهنی، عقلانی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، خوب انتخاب کردن و در یک جمله آموزش مطالبه گری و آموزش مدنیت اجتماعی و سیاسی و فعل خواستن است.

متاسفانه هنوز افرادی در جوامع بشری یافت می گردد که با نگاه کوته بین خود معلمی را شغل می بینند. معلم بستر بیداری و چراغ دانایی است، عالم به علم و آزادگی و چگونه زیستن است، چراغ روشنایی بر بستر تاریک بشریت و تعلیم و تربیت است، معلمی کوچه تنگ و تاریکی نیست که پس از سکندری های فراوان امید بر رسیدن فضای سبزی باشیم او آموزنده روشنایی و روشنگری است که با جهل و تاریکی و بی عدالتی به مبارزه برخاسته، هرچند فضای فرهنگی را طوری تبیین نموده اند که فضای تنگ و تاریک را مترادف نور و عقلانیت نموده اند. معلم هم می نویسد و هم دینش را که همان علم، آزادی، آزادگی و روش خوب انتخاب کردن و خوب زیستن است ادا می کند. چه خون هایی که در این مسیر به زمین ریخته نشد. چه انسانهای آزاده‌ای دربند و حصار جهل گرفتار نشده اند. معلم در تاریکی شب بتها را نشکست و ابراهیم وار با تبر عقل و علم و آزادگی در پرتو نور خود بتها را شکسته و نور پردازی می کند. آیا چنین افرادی که به راستی پیامبر و پیام رسان رسالت انسانی بشریت نام گرفته اند شایسته بهتر زیستن نیستند و یا سزاوار تکریم نبوده اند؟ معلم نرخ و قیمت را بر قامت رعنای علم و متولیانش نمی گذارد و همیشه با همه سختی ها و بی مهری ها با نگاه و انرژی مثبت به مبارزه با جعل پرستان قدرنشناس برمی‌خیزد.

و اما سخنی با متولیان و ضابطان قانون که هیچگاه این شغل شریف را درک نکردند وانگار قصدی هم ندارند که درک کنند. معلم هیچگاه به دنبال مادیات نیست، کاوشگر عدالت است. معلم می گوید چنان چه عدالتی برقرار گردد مسائل مادی به خودی خود حل می شود. معلم می گوید چرا قانونی که از طریق مجلس تصویب شده سالهاست اجرایی نمی گردد؟ این بی عدالتی است و او به دنبال اجرای قانون و عدالت است. مسئولین محترم و افراد تصمیم گیرنده در این مسیر چنانچه عدالت را گم کرده اید سری به کوفه بزنید و عدالت را از بستر خاک بردارید و مجری آن شوید.

گله ای از نیروها و نهادهایی که با معلمان برخورد می کنند، داریم. اولین روز مدرسه خود را به یاد دارید یادتان می آید؟ روزی که وارد مدرسه شدید راه رفتن را بلد نبودید، مداد دست گرفتن بلد نبودید، دستتان گرفتیم مهر و وفا به شما آموختیم. شما را با مهربانی آشنا کردیم آیا سزاوار است به معلم خود توهین کنید یا دربندش گذارید؟ جای معلم آنجا نیست.

۱۲ اردیبهشت روز معلم گرامی باد و درود می فرستیم به قطره قطره خون های ریخته شده در راه عدالت به ویژه ابوالحسن خانعلی و دکتر مطهری که با نثار جان خویش خود را وقف عدالت، آزادگی نمودند.

زحمات معلم را نادیده نگیرید

مائده قیم



معلمی یک شغل نیست، معلمی عشق، محبت، صفا و مهر ورزیدن است.

ما برخورد بدی را که برای یک دانش آموز به دست اولیاء مدرسه ای رخ داد را تایید نمی کنیم، اما چرا انگشت اتهام باید به همه کسانی باشد که جانانه برای فرزندانمان تلاش کرده اند حرف های گزاف و اتهامات بی پایه ای چون «در این روزهای مجازی هر روز که شما به سر کار نمی روید ولی حقوق می گیرید و مفت و رایگان بدون هیچ رنج و زحمتی و هزینه ای مشغول گذران اوقات خود هستید» و دهها عبارات زشت دیگر...!

این حرف های بی پایه واقعا دل اطرافیان ما را رنجانده و خاطرشان را مکدر ساخته است.

اما باز بر حسب شغل و پیشه ای که انتخاب کرده ایم، باید صبر و سکوت پیشه کنیم و چاره ای جز این نیست. بعضی از خانواده هایی که هیچ گونه احترامی به اولیاء مدرسه نمی گذارند هرگز مورد انتقاد قرار نمی گیرند و نسبت به اخلاق زشت شان گوشزد نمی شوند.

دانش آموزان یک چهارم وقت خود در شبانه روز را در مدرسه سپری می کنند و متاسفانه با ناهماهنگی که بین خانواده و اولیاء دانش آموزان وجود دارد هر آن چه را معلم از نکات تربیتی و درسی تعلیم داده و گوشزد کرده دستخوش فنا و نیستی می شود.

به راستی کجای کار اشتباه بوده و چرا چنین واکنش های منفی را از برخی اولیاء به دنبال داشته است؟

معلمی که حق کوچکترین خطایی را در برخورد خود ندارد و معلمی که باید در برابر حق و حقوق نداده اش سکوت کند و بگونه ای وانمود کند که هیچ مشکلی ندارد و هیچ مسأله ی معیشتی و مادی کیان وی را تهدید نمی کند. از چنین شخصی چه انتظاراتی را باید داشت ؟!!

پس از تعطیلات نوروز، خبر مسرت بخش حضوری شدن کلاس ها ما را خوشحال کرد و بی صبرانه منتظر و آماده ی پا گذاشتن در صحن مدرسه کرد. با دیدن بچه ها و ارتباط برقرار کردن با آنان هر روز که از مدرسه باز می گشتیم از حضور چشمگیر آنان در محیط مدرسه سخن به میان می آوردیم و تو گویی ما دگر فکر و دغدغه و مشغله ی کاری دیگری جز بچه ها نداریم همین و بس.

در همین موقع متاسفانه کلیپ و فیلم آن معلم را دیدم که در حال تنبیه کردن دانش آموزی بود، بسیار ناراحت شدم و خوشحالی این چند روزه از وجودم رخت بربست.

و کم کم در اینستا تندباد توهین ها و افتراها و سخنان سخیف از این سو و آن سوی کشور وزیدن گرفت که در خور و شایسته ی این قشر مظلوم و محترم و دلسوز و مخلص نبوده و نیست.

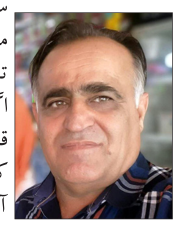
اما متاسفانه این سیل خانمانسوز اتهامات واهی، بزودی همه جا را پوشاند و آتش کینه برخی، تر و خشک را با هم سوزاند و آن چه نباید می شد، شد! همه در جایگاه مدعی العموم، دل معلمان زحمت کش را آزرده خاطر کردند و در دنیای مجازی و در صفحات الکترونیکی و همچنین روزنامه ها خیلی ها نوشتند و بی جا قضاوت کردند.

به راستی چرا ؟

مگر معلم از طیف و صنف بشر نیست او هم جایز الخطا است. آری او نیز مثل همه می تواند اشتباه کند ما این برخورد ناشایست را قبول نداریم اما چرا دیگر تلاش ها و زحمات معلم نادیده گرفته شود و پیکان اتهامات واهی بسوی این قشر شریف و دلسوز باید نشانه رود؟!

از وعده های توخالی برای معلمان دست بردارید

محمد حیاتی



سخن از حال و احوال معلمان امروز ایران،کهن تمدن است.

اگر اظهارات خود قشرفرهنگی امروز و حال کشور را مبنای ارزیابی آنان ازجایگاه خود بحساب بیاوریم، بسیاری از معلمان از وضعیت موجود گلایه دارند. گلایه ها هم بیشتر جنبه ی اقتصادی، منزلتی و اداری دارند.

واقعیتی که امروز معلمان در جامعه از نظر معیشتی و حقوق دریافتی، نیازهای اولیه ی زندگی را برایشان سخت و گاهاً تا نیمه ماه برآورده نمی کند.



فرهنگیان برای اثبات تبعیض در پرداخت ها به فیش حقوقی و رقم دریافتی دیگر کارکنان دولت را به صورت موردی و پراکنده استناد می کنند و معتقدند که قانون نظام هماهنگ پرداخت، فقط روی کاغذ مانده و در اجرا به شکل عادلانه اجرا نمی شود.

بحث دیگری که می توان اشاره کرد این است که تفاوت حقوق و مزایای کارکنان ستادی و اداری از یک طرف و معلمان در مدارس و میدان عمل است که این هم جای بحث زیاد دارد.

در کل حال و احوال معلمان خوب نیست، اگر کسی یا کسانی چیز دیگری می گویند و گفته اند، باور نکنید.

و اما انتظارات معلمان امروز چیزی نیست که در هاله ای از ابهام باشد، معلم انسان ساز است و در توسعه و پیشرفت کشور نقش مهمی دارد، لازم است این مهم از سوی حاکمیت به طور ویژه دیده شود.

بحث دیگر و انتظارات بین جامعه و معلمان است که طبق نظرسنجی ها معلمان در خط اول اعتماد جامعه قراردارند و بجاست که کماکان این اعتماد جامعه به معلمان حفظ شود و اعتماد به کارکرد خود معلمان بستگی دارد.

مطلب آخر این که معلمان امروز کشور ما از نظر معیشتی در وضعیتی خوب بسر نمی برند و مجبورند برای جبران این مشکل به فعالیت های غیراز شغل معلمی در عرصه های دیگر نظیر تاکسی تلفنی، نگهبانی درب شرکت ها، دست فروشی و... روی آورند، در حالی که در کشورهای دیگر بالاترین حقوق و دستمزدها متعلق به معلمان است چرا که معلمان به کار و تلاش انسان سازی مشغولند و ای کاش مسئولان کشور ما نیز روزی به این مهم برسند که اولویت اولشان قشر معلم باشد و اگر چنین شد قطعا حال و احوال معلمان هم خوب می شود و معلم نمی آید انتظاراتش را در کف خیابان ها فریاد بزند و شاگرد دیروزش با باتوم بفرقش بزند...

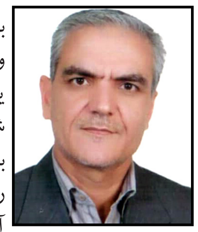
لطفا، مسئولان و برنامه ریزان کشور از دادن وعده ها، شعارها به این قشر فرهیخته که در این سال ها زیاد شاهد بوده ایم دست بردارند.

۳۱سال خدمت صادقانه درآموزش و پرورش را دارم طی می کنم و ناشکر نیستم ولی حال و احوال خوشی هم نداریم.

به امید حال و روز خوش برای معلمان کشورم.

احوال آموزش و پرورش خوش نیست

احمد سبحانیان



برای پی بردن به حال و احوال هر فرد، گروه یا جامعه ای می بایست شرایط حاکم بر آنان را بررسی تا تفسیر رنگ رخسارشان را بدست آورد.

حال و روزگار صنف شریف معلمان جامعه امروز ما هم حاکی و نشان از واقعیت های جاری جامعه ای است که در آن روزگار می گذارند.

در هر مسلک و مرامی از گذشته تا کنون، جایگاه علم و عالم، والا و بر صدر نشستن بوده، در آموزه های دینی و سنت های نیاکان هم داریم که معلم و عالم صاحب احترام و عزت است، ولی شوربختانه در چندین سال گذشته نهاد آموزش و پرورش و معلمین از اولویت برنامه مسئولین کشور خارج شده است. گویا بنا بر این نیست که آب خوشی از گلویشان پایین برود.

اگر فردای کشور برایمان مهم است و آبادی و آزادی ایران عزیز را در دستان فرزندان این دیار جستجو می کنیم، باید حال و احوال معلمان خوب و بسامان باشد.

در شرایطی که سایر کارکنان و پرسنل همتراز آموزش و پرورش در وضعیت اقتصادی و معیشتی بهتر و برتری بوده، معلمین در شرایط حساس و سخت شغلی به روایت آمار و ارقام از کمترین حقوق و مزایا نسبت به سایر کارمندان دولت برخوردار بوده و شرایط طاقت فرسایی را در منزل مقابل همسر و فرزندان و در مدرسه روبروی دانش آموزان سپری می کنند، از یک انسان از همه جا رانده و گرفتار نمی توان معلمی موفق و آینده ساز بسازیم.جامعه بزرگ معلمان برغم میل باطنی وقتی برای بدست آوردن حقوق حداقلی خود و اجرای مصوبات مجلس و دولت هم صدایشان بلند می شود، مورد توهین، خشم و تنبیه قرار می گیرند، پس چگونه احوالش خوب باشد، نه، احوال آموزش و پرورش خوش نیست.

انتظارات:

۱- باز تعریف و ارتقاء جایگاه نظام آموزش و پرورش در قوانین بالا دستی کشور.

۲- گزینش نخبگان علمی و آموزش و تربیت معلم متخصص در سطوح مختلف.

۳- ساخت و تجهیز مدارس در شان ملت و مملکت ایران.

۴- پرداخت حقوق واقعی آموزش و پرورش و معلمین بدون داد و التماس.

برای معلمان فکری اساسی کنید، چرا که فردا خیلی دیر است

اکبر نهاری



از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود
زنهار از این بیابان وین راه بی نهایت

شرح حال معلمان در جامعه امروز نیازی به بیان ندارد زیرا که این وضعیت «اظهر من الشمس» است.

معلمان پس از سال ها تلاش و فداکاری امروز همه باد به دست مورد سرزنش خانواده اند و خود حسرت عمر از دست رفته را می خورند.

این وصف حالی از بازنشستگان است، شاغلین نیز وضعیتی بهتر از بازنشستگان ندارند. این که انسان هیچ امیدی به فردا و آینده خود نداشته باشد، بزرگ ترین درد است.

امروز آموزش و پرورش ما به دلیل به کارگیری غیرمتخصصان در راس تصمیم گیری این نهاد ارزشمند، دچار فترت و بیماری مزمنی است که اگر هرچه زودتر به درمان آن نپردازند، فردا دیر خواهد بود. وقتی معلم که اساسی ترین رکن آموزش و پرورش است نه نقشی در تصمیم گیری های کلان آموزشی دارد و نه کسی به نظرش اهمیت می دهد و اصلا در چرخه آموزش و پرورش جایی ندارد، وقتی معلم را در فقر نگه می دارند و سعی می نمایند که او را درگیر مسائل معیشتی نمایند، دیگر نباید انتظار داشت که از یک آموزش و پرورش پویا برخوردار بود، معلم شاغل امروز در آینه معلم بازنشسته، فردای تاریک خود را به نظاره نشسته است.

حال و احوال معلمان چگونه است؟ معلمان چه شاغل و چه بازنشسته از حال و روز مناسبی برخوردار نیستند. امروز معلمان بازنشسته، این گنجینه های تجربه، پس از سال ها فداکاری جز چشمان بی سو، دندان های ریخته، قد خمیده، دست های لرزان، پاهای ناتوان و ... بهره ای از این همه جان کندن نبرده اند.

معلمان به هر طرف که روی می آورند، وحشت و ترسشان افزون تر می گردد، ترس از بیماری و عدم توانایی پرداخت هزینه های سنگین آن، بزرگ ترین دغدغه این قشر سازنده است، یک معلم وقتی دچار درد دندان می شود به دلیل هزینه های سنگین دندان پزشکی راه راحت یعنی کشیدن آن را بر می گزینند، چون هزینه کمتری دارد. اینها و مسائل درد آور دیگر در این زمینه ناشی از نداشتن یک بیمه کارآمد است، همان چیزی که ادارات و سازمان های دیگر به خوبی از آن برخوردارند.

همه حقوق یک ماه معلم حداکثر کفاف خرج ده روز او را می دهد، آنها از دهم به بعد با دیدن هربار پیام «عدم موجودی کافی» از دستگاه های کارت خوان چون شمع آب می شوند و راه به جایی هم ندارند.

بدترین دردی که معلمان امروز، چه شاغل و چه بازنشسته، دارند سرزنش های خانواده و فرزندان آنان است، فرزندان یک معلم وقتی در برابر معمولی ترین خواسته های خود، از او پاسخ منفی می شنوند، در اولین گام به سرزنش پدر به خاطر انتخاب شغل می پردازند.

در یک کلام باید گفت که معلمان ما حال و روز خوبی ندارند و مسئولان باید بدانند که این سازی که برای ضعیف نگه داشتن این قشر زحمت کش می نوازند، در آینده نزدیک صدایش بلند خواهد شد، پس تصمیم گیران تا دیر نشده برای این که نسل آینده و آموزش و پرورش دچار آسیب بیشتر نشده است، فکری اساسی کنند، زیرا که فردا خیلی دیر است.

حداقل انتظاری که جامعه فرهنگی دارند این است که برای برخورداری همه از آموزش رایگان و ایجاد امکانات برابر برای همه دانش آموزان تدابیر عاقلانه ای اندیشیده شود. در کنار این خواسته معلمان انتظار دارند برای رفع مشکلات معیشتی شان رتبه بندی به طور کامل اجرا شود، نه این طرح ابتری که در مجلس تصویب شده و بیشتر به سر هم بندی شبیه است تا رتبه بندی و برای بازنشستگان نیز اجرای کامل متناسب سازی و همسان سازی مصوب گردد که دغدغه های معیشتی آنها تا حدودی بر طرف شود.

به یاد معلمانی که رسالتشان، حفظ میراث گرانقدر دانش و معرفت بود

ابراهیم گرمساری



روز کارگر و نیز روز معلم خجسته بادا.

روز شنبه با نگاهی به اتاق و اطراف خود دریافتم اوضاع خیلی چیزها در حال تغییر است. گل میز وسط سالن نشیمن را سفره ای رنگین پوشش داده بود. روی این سفره شاخه ای گل در گلدانی کوچک یا شاید بشقابی از سبزه نو رسته بسیار زیبا و چشم نواز در کنار سفره خودنمایی می کردند. بر روی میز که چندان بزرگ هم نبود چند ظرف کوچک و بزرگ دیگر با نظم خاصی قرار گرفته است. محتوای این ظرف های سنتی زیبا سنت دیرین و اتفاق جالبی را حکایت داشتند و هر کدام سمبل و نماد خاطره یا اعتقادی از گذشته ایرانی را بیان می نمایند.

سیر، سمنو، سیب، سنجد، سرکه، سماق و سبزه مجموعه ای از یادگارهای نوروزی و سفره گسترده عیدانه است و پیامی برای ما ایرانیان معتقد و حاوی پیام فرا رسیدن فصل گل و بهار زندگی سپسین زمستان و سرما برای زندگان و رویش یافتگان بهاری این سرزمین است.

با گذشت چند ساعت همه اعضای خانواده با تغییر لباس و عطرآگین گشتن اتاق صدای نوید بخش شلیک توپ از رسانه ها همه را به وجد می آورد. تحویل سال و تغییر فصل با صدای شادی همگانی آغاز می گردد و تا سیزده روز همه با هم شادمانی و سال تحویل را مبارکباد می گویند. روز سیزدهم بساط طبیعت گردی را بر دوش می گیریم و دل به طبیعت آزاد می سپاریم. وارد اردیبهشت ماه می شویم و نخستین روزش را با سالگشت تولد شاعر نامی شیراز سعدی به نشاط می نشینیم. روز یازدهم جشن روز کارگر و دوازدهم روز معلم است. این روز بزرگ و پرخاطره را با تجدید و مرور خاطراتی ارزنده از عزیزانی که بار سفرآخرت بسته و ما را دچار درد فراق نموده اند جایشان را در پیرامون سفره هفت سین خانوادگی خالی ولی گرامی و ارزشمند می دانیم.

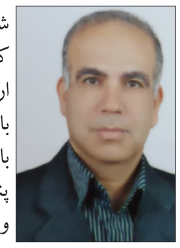
آری یازدهم اردی بهشت روز جهانی کارگر و اول اردیبهشت سالروز گشایش ساختمان آرامگاه سعدی در شیراز (۱۳۲۱ خورشیدی) و همچنین دوازدهم اردی بهشت سالگرد شهادت دکتر خانعلی در اعتصاب دانشجویی سال های قبل از انقلاب و نیز سالگرد شهادت استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۵۸ خورشیدی) به نام روز معلم مزین گشته است. این روز بر همه ی معلمان راستین و انسان ساز ایران و جهان خجسته و میمون باد. نمی توان از سالگشت روز معلم سخن گفت و یاد و خاطره معلمان زحمتکش و دلسوز و آشنایمان را واگویه نکرد. آری یاد و خاطره همه ی عزیزان و نیک اندیشان را الگوی درس امروز خود قرار می دهیم و نام و یادشان را در خاطرمان زمزمه می کنیم تا دعای خیری بدرقه راهشان باشد:

زنده یادان : محمد علی مصدق زاده، محمد بنیاس، عباس جمعه پور، مهین حسن پور، سید جواد عین الملک، اسماعیل نبی پور، جمشید همت آباد، بهرام اکبر زاده، صلصال، جواد میرشکاری، حسین خمیسی، صدرالله محمدی، فاطمه نسا تاجدینی، ناصر میگلی نژاد، محمود بنیادی، انوری پور، داریوش پوربهی و بسیاری دیگر از عزیزانی که در مکتب عشق درس انسانیت و شرافتمندی آموزش دادند و رحمت الهی برای خود پسندیدند نام و یادشان گرامی و روانشان شادمان باد.

رسالت این معلمان میراث گرانقدر دانش و معرفت است که سرلوحه کارشان بود. ایدون باد.

«نسیم جنوب» پل ارتباطی استان بوشهر با کشور

محسن گنبدی



شاید به جرات می توان گفت که «نسیم جنوب» یک پل ارتباطی میان استان بوشهر با سایر استانهای کشور می باشد. در این مدت بیست و پنج سال هم از نظر اجتماعی و سیاسی و انرژی و فرهنگی و ورزشی بسیار فعالیت خوبی داشته است. «نسیم جنوب» در بخش فرهنگی و هنری نقش بسزایی داشته و آداب و رسوم مردم بوشهر در مراسم مذهبی و عزاداری سنتی در ماه های محرم و صفر و حتی آیین موسیقی سنتی بوشهر را به سایرین معرفی کرد. معرفی شاعران و نویسندگان و صاحب نظران در بخش ادبیات و آشنایی با کتابها و نوشته ها به دیگران یکی از کارهای مهم بوده که در هفته نامه نقش بسته است.

مصاحبه با اساتید، ورزشکاران پیشکسوت و جوان، فعالان سیاسی و اجتماعی و عکاسان از جمله دیگر فعالیت چشم گیری آن بوده است.

در اینجا جا دارد از جناب دکتر خلف‌پور صاحب امتیاز هفته نامه و دکتر قیصی زاده سردبیر و سایر دست اندرکاران در تمام قسمت ها خسته نباشید عرض کنم و یک خاطره جالب خدمت شما عزیزان عرض کنم.

در سالهای گذشته که بنده به عنوان خبرنگار ورزش با هفته نامه همکاری داشتم، دفتر «نسیم جنوب» در خیابان دهقان بود و یک دختر خانم به عنوان تایپیست با هفته نامه همکاری می کرد، ایشان اهل استان گیلان بود و بنده ایشان را برای یکی از بستگان خواستگاری کردم و الحمدالله زندگی خوب و خوشی دارند.

مدت کوتاهی که در خدمت «نسیم جنوب» در بخش ورزشی بودم خاطرات زیاد بود و همه گزارشها و مصاحبه‌ها یک خاطره بود. با هر کدام از پیشکسوتان و بازیکنان فوتبال صحبت می کردم و وقت مصاحبه می گرفتم با روی باز می‌پذیرفتند، خاطرات هم تلخ بود و هم مقداری شیرین.

اولین مصاحبه من به عنوان خبرنگار ورزشی هفته نامه با مرحوم احمد تورانی بود که انجام دادم که متاسفانه بیست روز بعد از مصاحبه با تورانی، خبر فوت او در شهر پیچید، این اولین خاطره تلخ بود.

دومین خاطره تلخ مصاحبه با دایی عزیزم مرحوم حاج عبدالمحمد زنگویی موسس باشگاه شاهین بوشهر بود که تقریبا یک ماه از مصاحبه من با مرحوم می‌گذشت که بعد از بازی شاهین بوشهر با صباح باطری تهران در جام حذفی کشور که منجر به پیروزی شاهین شد و صباح باطری حذف شد، مرحوم زنگویی از شدت خوشحالی از برد تیم شاهین، دچار حمله قلبی شد و بعد از چند روز در بیمارستان شیراز فوت کردند.

سومین خاطره تلخ در گذشت ناگهانی مرحوم ماشاالله ماهینی بود که یک هفته قبل از فوت با او صحبت کردم و یک وقت مصاحبه گرفتم و مرحوم یک روز برای انجام مصاحبه تعیین کرد ولی متاسفانه عمرش باقی نبود و بر اثر تصادف فوت کرد.

اما خاطرات شیرین مصاحبه با ورزشکاران پیشکسوت احمد رزمی و عباس گشویی بود که در دفتر نسیم روبروی استانداری انجام شد که این مصاحبه خیلی خوب انجام شد و این یکی از شیرین ترین خاطره بود که این دو بزرگوار صحبتهای خوبی درباره فوتبال و مشکلات آن بیان کردند و دیگری آن که هر عزیزی که برای انجام مصاحبه حاضر می شد یک مسابقه ورزشی در هفته نامه انجام می شد که جایزه آن از طرف پیشکسوتان به برندگان اهدا می شد.

ربع قرن دلسوزی برای ورزش بوشهر

محمدرضا محمدی - پیشکسوت شاهین



چند روزی میهمان این سراپرده جادویی اند، تنها یادگاری که به جای می ماند ره توشه چند روزه است، نسیم جنوب از خود چنین یادگاری به جای گذاشته است. می توان از سه بزرگوار رییس تربیت بدنی جواد سیار، عزیز الله صمیمی و حسین وردیانی یاد کرد که یکی خشت بنای استادیوم ورزشی بوشهر، دیگری سالن شهید صدوقی و دو چمن فوتبال و سومی ساختمان تربیت بدنی بوشهر و خوابگاه ورزشی بوشهر یادمان این بزرگواران هستند. دیگران چند روزی میهمان این قبیلهٔ بزرگ ورزشی بودند، رفتند، اینان زیستند، از خود یادگار به جای گذاشتند. جزو قبیله مشهورین جامعه ورزش شدند، رفتند تا شاخه دیگر بروید و سایه و ثمرهٔ خویش را در پهن دشت ورزش و جوانان گسترانند. هیچ کس نمی تواند از کنار استادیوم ورزشی بوشهر عبور کند و خاطره و یادمان این خردورزان را نادیده بگیرد. نسیم جنوب در بوشهر و کشور سال روز هزارمین نشریه ورزشی خویش را جشن می گیرد که در همه این بیست و پنج سال پیروزی ها، خاطره ها، چشم اندازهای ورزش بوشهر را یکی یکی به رخ تاریخ بوشهر می کشد، باشد که جوانان و اندیشمندان بوشهر قدردان این نشریه وزین ورزشی باشند. کبگانیان، علوی، زنگویی، پوربهی و... یادگار این تلاش های ورزشی استان بوشهر و ایران هستند و خواهند بود. این نشریه وزین نسیم جنوب بود که این بزرگواران را در صفحه یادگاری خویش زینت بخشید و آن ها را برای نسل های بعدی صاحبدل نمود. تا باشد که گردش گردون از خاک انسانها خشت زرین بسازند و نام ها و نمودهای ارزنده را یکی یکی بر سر در تاریخ ورزش استان و ایران عزیز بپا دارند، «هزارمین زادروزت مبارک نسیم جنوب».



نشریه ای که دلش برای فوتبال بوشهر می سوزد

مجید مشایخ - پیشکسوت استقلال

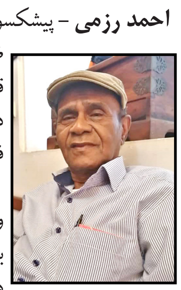


همان طور که می دانید ۲۵ سال عمر کمی نیست در خدمت کردن در عرصه رسانه ورزشی و یک نوع هنر است که هفته نامه نسیم جنوب توانسته آن را انجام دهد. این خبر خوبی است و می تواند الگوی خوبی برای دیگر هفته نامه های استان و حتی کشور باشد. مصاحبه ها با ورزشکاران و مسئولین ورزشی نشان دهنده دلسوزی و تخصص شما در امر ورزش بوده است. طبیعتاً شما نگاه کنید وقتی یک نفر در یک نشریه کار مفیدی برای جامعه انجام می دهد یقینا مشمر ثمر بوده است. در همه این بیست و پنج سال مصاحبه ها، گزارشات، درد دل های اهالی ورزش در هفته نامه درج می شد. این نشانه از آن است که هفته نامه نسیم جنوب دلش به حال فوتبال بوشهر می سوزد.

باید به نسیم جنوب تبریک عرض کنم که در همه عرصه ها به خصوص فوتبال موفق بوده است. بنده بیشتر با صالحی زاده خبرنگار ورزشی این هفته نامه آشنا هستم و می بینم که در سرما و گرما برای انجام امور ورزشی و کارهای رسانه ای فعالیت خوبی ارایه می کند. امید است این نشریه عمری ۱۰۰ ساله پیدا کند.

عملکرد خوب در زمینه ورزش و فوتبال

احمد رزمی - پیشکسوت شاهین



ضمن عرض تبریک به دست اندرکاران نیسم جنوب، که یکی از نشریات پر و پا قرص بوشهر بوده و همیشه در خصوص ورزش به خصوص فوتبال عملکرد خوبی داشته است. بخش ورزشی آن که من می دانم چه قدر فعال بوده و برای جامعه فوتبالی قلم زده اند.

انشالله ۲۵ سالگی نسیم جنوب مبارک باشد و امید است هم چنان در خدمت ورزش و فوتبال باشد.

بیست و پنج سال انتشار نشان دهنده فعالیت و پیشرفت مفید است و انشالله در سال های آینده هم چنان پیشرفت داشته باشد.

من مطلبی را عرض کنم که شاید خیلی ها متوجه نباشند و آن زحمات نسیم جنوب در عرصه فوتبال ساحلی و چمنی است که قابل ستایش بوده و بسیار برای گرفتن حق ورزشکاران تلاش نموده اید. امیدوارم در ادامه حرکت نسیم جنوب، شاهد پیشرفت روزافزونش باشیم.

نسیم جنوب؛ حامی تیم های ورزشی استان بوشهر



علی عالی نژاد - مدیر عامل باشگاه کارگر بنه گز

جایگاه رسانه در امر اجتماعی به خصوص ورزشی جایگاه ویژه ای است و می توان اخبار و حوادثی که اتفاق می افتد در آن پیگیری کرد.

بنده سال های زیادی است که با هفته نامه وزین نسیم جنوب آشنا شدم. به خصوص بخش ورزشی که افراد کار کشته در آن فعالیت می کنند. انعکاس اخبار و گفت و گوها در این نشریه در سطح استان و کشور واقعاً جای خوشبختی دارد و جایگاهش پر اهمیت.

اولین بار عکس تیم کارگر بنه گز در نسیم جنوب به چاپ رسید و این باعث خوشحالی ما و دیگر هم تیمی ها شد و از این طریق از نسیم جنوب و صالحی زاده خبرنگار ورزشی آن تشکر و قدردانی می کنم، نه این که برای تیم ها، بلکه برای همه زحمت کشیدند. امید است هزارمین شماره این نشریه بزرگ بر همه نسیم جنوبی ها مبارک باشد و به ۲۵ سال تلاش بی شائبه آن ها خسته نباشید عرض می کنم. امیدوارم که این روند رو به رشد نسیم جنوب همواره ادامه داشته باشد.

نسیم جنوب باعث رشد ورزشکاران شد

حیدر عبدالله زاده - پیشکسوت فوتبال



نسیم جنوب همیشه سنگ زیرین آسیاب رسانه استان بوشهر به خصوص در بخش ورزشی بوده است. من و خانواده ام همیشه مدیون شما و همه نسیم جنوبی ها هستیم.

نسیم جنوب دلش می خواهد در همه امور رسانه ای فعالیت بیشتری داشته باشد، ولی به خاطر مشکلات مالی این موضوع فعلا امکان پذیر نیست. ولی من از دکتر یونس قیصی زاده و دیگر دست اندرکاران که شبانه روزی زحمت می کشند تا نسیم جنوب را به ۲۵ سالگی تلاش و انتشار رسانده اند، تشکر و قدردانی میکنم.

وقتی «ندا» دخترم به تیم ملی فوتبال بانوان ایران دعوت شد این نسیم جنوب بود که قبل از همه به این مهم قلم زد و باعث رشد ندای من و دیگر نداهای بوشهر شد.

این که یک هفته نامه بخواهد خوب کار کند و ۲۵ سال در اوج دوام داشته باشد واقعاً شاهکار است که نسیم جنوب این کار را انجام داده است باید به خود ببالیم که چنین نشریه ای در استان بوشهر داریم.

۲۵ سال ایستادگی

غلام پورچنگی - پیشکسوت ایرانجوان



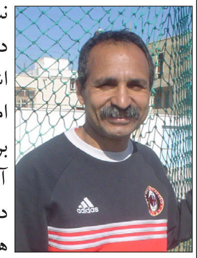
جراید و هفته نامه های بوشهری به خصوص هفته نامه وزین نسیم جنوب در روند رو به رشد ورزش به خصوص فوتبال، نقش بسزایی داشته و این مهم اتفاق نمی افتد بلکه با درایت دکتر قیصی زاده و خبرنگاران ورزشی آن نشریه.

من از اوایل انتشار نسیم جنوب، پیگیر این نشریه بوده ام و همیشه آن را مطالعه می کنم و فکر می کنم یکی از پرطرفدارترین هفته نامه های بوشهر باشد. ۲۵ سال فداکاری و زحمت برای ایستادگی نسیم جنوب، نشان از اداره قوی دست اندرکاران این نشریه دارد. من به نوبه خود بیست و پنج سال انتشار این هفته نامه را تبریک می گویم و امید است سالیان سال به همین روال موفق باشید.

در پایان از شما درخواست می کنم که در رابطه با تیم های پایه ای بیشتر فعالیت کنید.

نوازش نسیم بر رخسار جنوب

محمود ابراهیم زاده



نسیم با وزش دل انگیزش در بهار یا نوازشگری اش همراه با پشنگه های امواج دریا در کنار ساحل بر رخسار و گونه های آفتاب سوخته ی مردمان دریا دل و دلسوخته؟!! هر چه هست نسیم، در جنوب حدیثی دگر دارد.

از آن روزی که همزاد شمالی به کوشش اشرف الدین حسینی گیلانی همگام با جنبش مشروطه خواهی زاده شد و آوای خوش آزادگی را سر داد بیش از یک قرن می گذرد. اما دریغا که استبداد گلوی نازک طفل نوپا را برید تا...

باری، این بار نسیم در جنوب وزیدن گرفت تا از احوال مردمانی بگوید که شلاق تبعیض و محرومیت بر گرده شان عجین گشته. مردمانی بر گنج نشسته، اما در رنج و تبعیض، رنجی به درازای تاریخ.


نسیم
یکشنبه ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۱
ورزشی
سال پنجم ـ شماره دویست و نوزدهم
مصاحبه با محمود ابراهیم زاده ملی پوش اسبق بوشهری
بوشهر می‌تواند مرواریدهای درشتی را به فوتبال عرضه کند

از آن روز که ناگزیر به ترک دیار و کوچ اجباری به سرزمین ژرمن ها و یانکی ها شدم، مدت ۲۶ سال می گذشت. بی تابانه شوق وصال یار داشتم. با انبوهی از دغدغه و دلهره در آشیانه کودکی ام فرود آمدم تا مشامم را با شمیم شرجی تازه کنم و بر خاک پاک دیارم بوسه زنم. شب عاشقان بی دل با همه ی درازی اش طی شد و اولین طلوع آفتاب بوشهرم را پس از سالها فراق به نظاره نشستم. دوستی به دیدنم آمد و یک نسخه هفته نامه نسیم جنوب هم برایم آورده بود. در صفحه اول خودم را در قاب کودکی ام دیدم که تیتر یک نشریه خبر ورودم را به بوشهر، آنهم با متنی باشکوه منعکس نموده بود. از شما چه پنهان، کمی ترسیدم. نشریه را تند تند ورق زدم و با نگرانی مشغول خواندنش شدم.

پس از ساعتی سردبیر یونس قیصی زاده و خبرنگار سرویس ورزشی هفته نامه احمد خالق پناه به دیدنم آمدند. با نشریه ای جدیدتر و از زیر چاپ گریخته. بازهم عکس و متن و مقاله ای از گریز و بازگشتم. نسیم جنوب را بیشتر شناختم. بیشتر از نسیم رمانتیک بهار. نسیمی که گاه توفان بود تا مطالبات و حقوق معوقه ی مردم محروم نگه داشته ی استانی را فریاد بزنند که خاکش زرخیز و در آبش گوهر نهفته است. ربع قرن انتشار نسیم جنوب بر هم استانی های خونگرم و آزاده فرخنده باد.

یکی از بال های توسعه فوتبال

حسین وردیانی – پیشکسوت فوتبال



در این سالها برای همه کسانی که دغدغه فوتبال استان را دارند مشخص شده که مطبوعات بالاخص مطبوعات نوشتاری همانند هواداران، یکی از بال های توسعه فوتبال بوده و در این استان نقش هفته نامه وزین نسیم جنوب به خوبی نمایان است. اخبار، نقد و بررسی فوتبال استان و بالاخص تیمهای حاضر در لیگهای مختلف با شرایط سنی در این جریده باعث رونق فوتبال و گاهی تلنگری به مدیران در خواب ورزش فوتبال بوده است. حضور ورزش نویسان نسیم جنوب که خود دستی بر آتش فوتبال این مرزوبوم دارند، کمک شایان این مجموعه به ورزش فوتبال بوده است. انشاالله که همه ورزش نویسان مطبوعات نوشتاری، گفتاری و دیداری بتوانند در کنار هم و با اتحاد بیشتر به عنوان یار سیزدهم در شکوفایی ورزش فوتبال استان موفق و سربلند باشند و مدیران ورزشی نیز به نصایح این عزیزان توجه کرده و در وقت لازم از زحمات این زنان و مردان بزرگ قدردانی نمایند.


نسیم جنوب
سال پانزدهم - شماره ۶۶۱ - یک شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱ - ۸ صفحه - ۵۰۰ تومان
nasimjonoub.com
چرا احمدی نژاد برای آمدن به همایش خلیج فارس در بوشهر وقت ندارد؟
خبر خوب برای بوشهری ها
بازی پلی آف ایرانجوان در تهران
شاهین بال شکسته
سقوط شاهین از آسمان لیگ برتر
سوگواری بوشهری ها در سقوط شاهین

سالها تلاش و زحمات ستودنی

علیرضا محمدی – ورزشی نویس



برگ درختان سبز در نظر هوشیار/ هر ورقش دفتریست معرفت کردگار

«ادسون آرانتس دوناسیمنتو» هزاااار تا گل زد تا شد پله، دست نیافتنی ومحبوب قلبها ...

نسیم جنوب اما از همان اول به فرهیختگی آغاز کرد و با اتکاء بر نظرات و مقالات بزرگان ادب و ادبیات، پیشکسوتان و صاحب نظران حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، ورزشی و... سعی در بهبود شرایط جامعه داشته و دارد. حالا هزارمین نسخه نسیم جنوب در بیست وپنج سالگی این نشریه وزین، تورق می شود تا برگ زرینی باشد بر مفاخر این کهن دیار. یونس قیصی زاده مدیر نسیم جنوب با درایت کامل؛ در حوزه ورزش با اشراف از شرایط و موضوعات، مدیریت این بخش را به شخصی از درون ورزش سپرد.

مهدی صالحی زاده که خود از جنس و بدنه ورزش است انتخابی آگاهانه بود تا در بطن جریانات، اتفاقات و موضوعات ورزشی نقشی سالم و پویا در انتشار اخبار، تفاسیر، تحلیل ها، نظرات و ایده های ورزشی ایفا کند که الحق سالها تلاش و زحماتش ستودنی ست و جای بسی تقدیر و تشکر دارد.

در این میان جا دارد یادی کنیم از اسطوره های بزرگ ورزش بوشهر مرحوم عبدالمحمد زنگویی، مرحوم عبدالرضا افشار، عبدالمجید چاهی بخش، عبدالمحمد پوربهی که ورزش و فوتبال بوشهر مدیون زحمات این بزرگواران است.

در پایان با توجه به فراگیری فضای مجازی، امیدواریم شاهد حضوری پویا از نسیم جنوب همراه با بررسی کارشناسانه و تحلیل و تفسیرها از مسایل مهم روز خصوصا در حوزه ورزش باشیم.

موفق در معرفی ورزشکاران

ابراهیم جمالی – پیشکسوت فوتبال توحید



با توجه به این که بنده از بطن ورزش هستم و در امر رسانه با هفته نامه نسیم جنوب آشنایی چندین ساله دارم. در این بیست و پنج سال انتشار که این هفته نامه وزین زیر چاپ می رود به نوبه خود این اتفاق میمون را تبریک عرض می کنم.

نسیم جنوب در معرفی ورزشکاران، گزارشات مسابقات فوتبال خیلی خوب عمل کرده است چون شهر ما بیشتر فوتبال است. نسیم جنوب هم توانسته خواسته مردم را به خوبی تأمین کند. این هفته نامه در طی ۲۵ سال توانسته خیلی ها را در بوشهر و حتی در کشور معرفی نماید. این امر میسر نمی شد مگر با پشتکار همکاران این نشریه.۲۵ سال از فعالیت بی چون و چرای نسیم جنوبی ها به خوبی می گذرد. امیدوارم عمر این هفته نامه ۱۲۰ ساله شود.

بنده از همه خبرنگاران نسیم جنوب که قشر زحمتکش هستند قدردانی می کنم و انشاءلله مثل ۲۵ سال گذشته سلامت، پرتوان و شاداب باشید.

مشوق اصلی ورزشکاران بوشهر

حسین حیدری



هفته نامه نسیم جنوب، ۲۵ سال است که به خوبی فعالیت می کند و یکی از مشوقین اصلی ورشکاران بوده و هست، نه تنها در فوتبال بلکه اکثر رشته های ورزشی را در برمی گیرد. یادم می آید که ۱۴ ساله بودم و خبرنگار گناوه ای مرحوم عزیز افتخاری عکس مرا در روزنامه کیهان ورزشی چاپ کرد، همین امر باعث رشد من در فوتبال گردید. درست ۲۵ ساله نسیم جنوب همین کار را در بخش ورزشی انجام می دهد و من می دانم که شماها چه قدر زحمت می کشید.

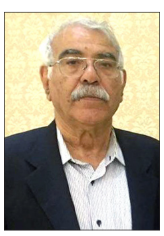
مدیر مسئول نسیم جنوب و مهدی صالحی زاده خبرنگار ورزشی، دوش به دوش هم این بار را به منزل هزارمین شماره رساندند.

۲۵ سالگی این هفته نامه را تبریک می گوییم. انشاالله بتوانید به شماره ۲۰ هزار برسید. بنده از جانب پیشکسوتان فوتبال، از شما و دیگر دوستانتان تشکر لازم را دارم و امیدوارم در امور محوله موفق و تندرست باشید.


نسیم ورزش
تأمین مناسبات ورزش، ساختار جوان را تشکیل می دهد
این حق شهرداری نبود
۲ امتیاز در سه دقیقه از دست رفت
گزارش بازی شاهین بوشهر با آرارات تهران در بوشهر
هیچ یک از تیمها و باشگاههای استان توان ایستادن روی پای خود را ندارند
شاهین، ایرانجوان بوشهر را به دادگاه می‌کشاند؟!
حرفه‌ای شدن ورزش و فوتبال بوشهر یک ضرورت است

۲۵ سال تلاش برای ورزش بوشهر

علی دشتیاری زاده – پیشکسوت شاهین



عملکرد هفته نامه خوبٍ و به روز نسیم جنوب کاملاً مؤثر و مفید بوده است. این نشریه در حق ورزشکاران کارهای بسیار خوب و شایسته ای انجام داده که من به نوبه خود خیلی از شماها تشکر می کنم و از عملکردتان رضایت کامل دارم.

ماشاالله هزارمین شماره نسیم هم زیر چاپ رفت و این محقق نمی شود مگر با پشتکار فکری و تلاش شبانه روزی اهالی نسیم جنوب.

ورزشکاران، مخاطبان و هواداران نسیم جنوب، به خوبی رسالت این هفته نامه را درک می کنند. بی دلیل نیست که بر شمار طرفداران شما افزوده می گردد. بنده خبرنگاران آن جا را به خوبی می شناسم و آگاه هستم که چه کارهای بزرگی در امر ورزش انجام داده اند. ۲۵ سال تلاش و کوشش و به روز بودن را به شماها تبریک عرض می کنم.


نسیم ورزش
شاید وقتی دیگر...
فوتبال بوشهر در لیگ اول کشور

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



چند رباعی به: معلمان پرکار، شریف و آگاه کشورمان ،به مناسبت روز معلم

عبدالمجید زنگویی



۱

آن جا که معلم است مهد هنر است
گلزار سخن، معدن در و گهر است
همزاد خرد بیامد و عشق و شرف
ارزنده ترین جان و جهانی به براست

۲

سر فصل کتاب تو، به دریا ماند
پیغام تو حرف پیر برنا ماند
گنج سخنت فرا ره عالمیان
خورشید و نماد روز رخشا ماند

۳

کارت به تلاش باغبان می ماند
صوتت به درای کاروان می ماند
علمت، سخنت، معلم خیر اندیش
پر بار، چو گنج شایگان می ماند

۴

نامت ززمین برفت تا بام زحل
زیرا تو نموده ای جهان را اکمل
پیروز و خجسته، زان معلم شده ای
تا نوع بشر رهانی از جهل و جدل

۵

مدیون محبت تو هستیم همه
در باغ طراوت تو مستیم همه
آن درس محبتی که ما را دادی
از نعمت آن، زجهل رستیم همه

۶

تو زینت جسم و جان دنیا هستی
درکان وجود، درگویا هستی
علم و ادب و خرد،تو پشتیبانی
در وادی تار، چشم بینا هستی

۷

ای فخر به تو که از معالم شده ای
برعالم و بر سپهر عالم شده ای
خورشید وجود تو جهان را بگرفت
تا بر سر بام علم خادم شده ای

۸

ای شیفته ی شیفته ای
کز ناب می عشق به دل ریخته ای
با نام معلم،تو مزین شده ای
کز جوهر و جان دهر آمیخته ای

۹

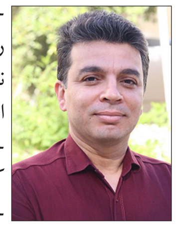
درکسوت عاشقان پدیدار شدی
تا مشعل رهروان بیدار شدی
در دست چراغ علم و دیباچه ی عشق
وارد به سرای قلب دلدار شدی

۱۰

ای نام تو همطراز پیغامبران
آیات سپید صبح بیدار دلان
نام تو معلم است و جایت به سپهر
خورشید فروزنده ی عشقی به جهان

درس استقامت و پایداری در مطالبه حقوق معلمان

دکتر مجتبی صداقت جو – عضو هیات علمی دانشگاه خلیج فارس بوشهر



چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار

این روزها شاهد فریاد حق خواهی شما معلمان عزیز کشورمان بر طبیعی ترین حقوق حقه برای معاش هستیم. فرودی از پرواز به کمترین تحریری از زندگی یعنی نان آب و آواز. نسل امروز ما که بخش زیادی از نگاه و پِندارَش دسترنج آموزش شماست بعضا تصور می کنند همه آنچه بایسته بود را فرا گرفته اند، و چه بسا افق هایی فراتر را نظاره گر هستند، غافل از این که هنوز درس هایی برای فراگیری وجود دارند، هنوز یادگیری استقامت و پایداری در مطالبه حقوق از شما برای ما ضروری است. حمایت از آرامش و امنیت شما قطعا منتهی به تربیت فرزندان ما و نسل های بعدی برای قدم هایی بزرگتر در راه اعتلای ایران عزیز خواهد گشت. در این اثنا گویا عده ای فراموش کرده اند که تنها مسیر ارتقای آگاهی و تربیت موثر نسل های آینده و به دنبال آن رسیدن کشورمان به مرز بالندگی و سرافرازی از دستان پر مهر شما می گذرد. گویا باور نمی دارند گره زدن دستان شما با غم نان یعنی گره زدن نسل آینده و به طبع آن جامعه با هزاران مشکل بی درمان و غیر قابل جبران. بر همگان روشن هست که مسیر رشد جوامع بشری یک جریان سیال و پویا در دل دهه ها و صده هاست که آموزش فرزندان در هر جامعه ای زیربنای این مهم بوده است. لذا جایگاه و حساسیت و اهمیت نقش شما در توسعه کشور عزیزمان ایران، نه امروز، نه دیروز و نه فردا که تا همیشه و در همه ی زمان ها ساری و جاری است.

برای همه رنج ها و مشقت هایی که در این ایام متحمل شده اید زدوده شدن این غمتان را خواستارم، چرا که غم شما غم ما و جامعه ماست و به قول شیخ اجل سعدی بی غمان از محنت شما را نشاید نام آدمی نهاد. به عنوان یک عضو کوچک باور دارمَ جامعه دانشگاهی و جامعه بزرگ معلمان عزیز کشورم، زنده اندیشان اند که ریشه هاشان دست در دست هم است. آرزو دارم اندیشه تان پر امید، دلتان روشن، دستانتان پرتوان و چشمانتان پر فروغ از ایجاد فردایی بهتر برای ایران عزیز باد.

مهدی طارمی، شاهزاده پارسی فوتبال اروپا

یک سایت تحلیلی انگلیسی زبان که گزارش‌های تحلیلی درباره ستاره‌های فوتبال جهان می‌نویسد؛ به تمجید از مهاجم بوشهری پورتو پرداخت.

سایت «Breaking The Lines» در گزارشی تحلیلی با اشاره به عملکرد طارمی در تیم‌های پیشین وی نوشت: تابستان ۲۰۱۹ کیلیان امباپه، دومین بازیکن گرانقیمت جهان خودش را برای فصل دیگری در پاری‌سن‌ژرمن آماده می‌کرد. کریم بنزما به دنبال جبران فصل ناامیدکننده رئال مادرید بود و محمد صلاح به‌تازگی قهرمانی لیگ قهرمانان اروپا را تجربه کرده بود.

در همین هنگام، قرارداد ۱۸ ماهه مهدی طارمی با الغرافه به پایان رسید و او به ریوآوه ملحق شد. طارمی امروز همراه با امباپه، صلاح و بنزما، تنها بازیکنان ۶ لیگ برتر دنیا هستند که بیشتر از ۲۰ گل و ۱۰ پاس گل ثبت کرده‌اند. این مهاجم ایرانی که اولین تجربه خود را در فوتبال اروپا تجربه می کرد، از همان ابتدا تاثیرش را گذاشت و برابر آوس موفق به هت‌تریک شد. وی هفته بعد توانست سه پنالتی برای تیمش بگیرد تا ریوآوه با نتیجه ۳ بر ۲ مقابل اسپورتینگ پیروز شود.

طارمی ۲۱ گل و ۲ پاس گل در فصل ۲۰-۲۰۱۹ ثبت کرد تا بهترین بازیکن فصل ریوآوه باشد. او دومین گلزن برتر لیگ برتر پرتغال شد و جدایی وی، بزرگترین تاثیر را در ریوآوه رقم زد. تیمی که با میلان برای صعود به لیگ اروپا رقابت می کرد، ظرف ۱۰ ماه سقوط به لیگ دسته دوم را تجربه کرد. طارمی سپس با قرارداد ۴,۵ میلیون یورویی به پورتو پیوست و در فصل اول، با ثبت ۲۳ گل و ۱۸ پاس گل توانست انتظارات را برآورده کند. گل اکروباتیک طارمی به چلسی نامزد بهترین گل سال فیفا شد.

این مهاجم ایرانی غریزه گلزنی زیرکانه‌ای مشابه رود فن‌نیستلروی، ادین ژکو، کریم بنزما یا زلاتان ابراهیموویچ دارد. طارمی از لحاظ تکنیکی و تمام‌کنندگی، توانایی فوق‌العاده‌ای دارد و بازی



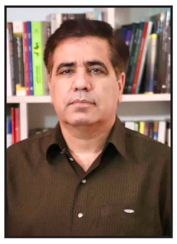
ترکیبی او اجازه نفوذ به عمق و کمک به بازیکنان با پاس‌های فوق‌العاده را می‌دهد. طارمی از جهات بسیار، نقشی بین مهاجم شماره ۹ و ۱۰ را ایفا می‌کند. او همانند بنزما توانایی فضاسازی، ساختن موقعیت و گلزنی دارد و می‌تواند به سود تیمش برتری عددی ایجاد کند.

با توجه به این که طارمی در ماه جولای ۳۰ ساله می شود، مشخص نیست که آیا تیم‌های مطرح اروپایی به دنبال جذب او هستند یا خیر و اگر این کار را انجام دهند، احتمالا پورتو دلارهای زیادی طلب می‌کند.

طارمی به اولین جام دوران باشگاهی خود در اروپا رسید و بدون شک یکی از بهترین بازیکنان پرتغال محسوب می‌شود؛ آخرین مهاجم مرکزی که ورزشگاه دراگای و را پس از رادامل فالکای و و جکسون مارتینز به هیجان می کشاند.

سلامی و کلامی... **یونس قیصی‌زاده**

حداقل فلافل را از مردم نگیرید!



کنار ساحل بوشهر انبوهی از فلافل‌فروشی‌ها هستند که پاتوقی شده برای همه اقشار که نان ساندویچی بردارند و فلافل و مخلفات را چنان فشرده در آن بچپانند که دیگر جا نداشته باشد و بعد ساندویچ در دست بروند کنار دریا بنشینند، به دریای بی‌کران نگاه کنند، به صدای امواج گوش دهند و برای لحظاتی هم که شده از فکر گرانی و قسط و بیکاری و اوضاع نابسامان روزگار رها شوند و از خوردن فلافل لذت ببرند.

این پاتوق‌های فلافلی و خوردنی‌های ارزان‌قیمت در همه شهرهای کشور به ویژه شهرهای جنوبی نیز وجود دارند و فضایی گرم و پویا و پرجنب‌وجوش به چهره‌ی شهر می‌بخشد.

برای بسیاری از مردم کشورمان، همین لذت‌های کوچک باقی مانده تا حس کنند هنوز دارند نفس می کشند و چیزی شبیه زندگی را تجربه می کنند. این که هنوز می‌توانند دست‌شان را توی جیب‌شان کنند و به جای رفتن به رستوران و غذایی که بچه‌ها هوس کرده‌اند، فلافلی بخرند تا در برابر خانواده سرافکنده نشوند.

سال به سال انتظارات از داشته‌های زندگی کمتر شده و از رستوران و پیتزا و هات‌داگ و همبرگر به فلافل و سمبوسه و نخود رسیده، از مسافرت و گردش و خوشگذرانی، به ساعتی پارک و زیر درخت و لب ساحل رفتن تنزل نموده، از پس‌انداز و دوراندیشی و حساب بانکی به خرجی را سینه‌خیز تا آخر ماه رساندن سقوط کرده، از خرید لباس و کفش و وسایل خانه، به وصله‌پینه و تعمیر کردن البسه و وسایل قدیمی و تامین حداقل مواد خوراکی برای سر سفره گذاشتن کاهش یافته و...

اما الان غول افسارگسیخته و سیری‌ناپذیر گرانی به همین حداقل‌ها هم سرک می کشد و می‌خواهد همین ته‌مانده‌ها را هم ببلعد؛ وقتی گرانی به فلافل و نان و پنیر و سبزی سر سفره رسید، باید ترسید! بیم از این‌که ممکن است شکم میلیون‌ها ایرانی گرسنه بماند، نگرانی از این‌که سفره محقر خانوارهای بسیاری جمع شود، ترس از این‌که رنگ زرد رخساره و صدای شکم‌های گرسنه ممکن است دیده و شنیده نشود، خطر این‌که ممکن است عواقب این گرسنه ماندن به اتفاقات و حوادث تلخ اجتماعی و چه بسا ملّی منجر شود! هشدار که راه جبران کسری بودجه دولت، گران کردن اقلام و برداشتن از جیب مردم نیست!

نان و مخلفاتش آخرین بازمانده سفره بسیاری از خانوارهای ایرانی است، به جای وجب به وجب کوچک‌تر کردن و در نهایت جمع کردن این سفره، وقت آن است که با احیای برجام به سوی رفع تحریم‌ها بروید و زمینه را برای جمع کردن سفره رنگین کاسبان تحریم، شفاف‌سازی مالی، اصلاح ساختاری و عادی‌سازی روابط با دنیا و... فراهم کنید و سیاست‌های شجاعانه و اساسی را در دستور کار قرار دهید، تا سفره‌ی مردم هم ته‌مایه‌رنگی بگیرد و به جای حذف این برکت خداوندی، بوی خوش نان همچنان از سفره‌ها به مشام برسد.